

## باسمه تعالی

۲	..... مقدمه واجب
۲	..... اقوال وجوب مقدمه واجب
۲	..... وجوب مقدمه موصله به وسیله قضیه حینیه
۲	..... خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم آغا ضیاء
۲	..... وجوب مقدمه موصله به خاطر تقييد
۳	..... خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم سید محمد باقر صدر
	..... مختار استاد: عدم طلب اراده توصل به ذی المقدمه از جانب مولا
۴	..... دو بیان مرحوم نائینی برای اثبات اهمال وجوب مقدمه
۵	..... خروج اهمال وجوب مقدمه به وسیله نتیجه الاطلاق و نتیجه التقييد
۵	..... خلاصه مباحث نزاع در وجوب مقدمه

**موضوع:** بررسی ادعای مرحوم آغا ضیاء و مرحوم صدر / اقوال وجوب مقدمه واجب / مقدمه واجب

### خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد وجوب مقدمه بود. مرحوم آغا ضیاء فرمود: اولاً غرض از مقدمه، توقف و تمکن است و ثانیاً تقييد وجوب مقدمه به ایصال نیز مقبول نیست؛ اما با قضیه حینیه می توان گفت که وجوب مقدمه در حال ایصال به ذی المقدمه است. مرحوم سید محمد باقر صدر فرمود: قضیه حینیه در مفاهیم کلیه مردود است. استاد فرمود: قضیه حینیه در مفاهیم کلیه اشکالی ندارد. در این جلسه به بررسی کلام مرحوم سید محمد باقر صدر نسبت به وجوب مقدمه موصله پرداخته می شود.

## مقدمه واجب

### اقوال وجوب مقدمه واجب

#### وجوب مقدمه موصله به وسیله قضیه حینیّه

بحث در مورد ادعای مرحوم آغا ضیاء بود. ایشان فرمود: هر چند که غرض از ایجاب مقدمه توقف است؛ ولی وجوب مقدمه به همه مقدمات توأماً تعلق گرفته است؛ یعنی وجوبی که به ذی المقدمه تعلق گرفته است؛ وجوبی ناقص و ضمنی نسبت به ابواب عدم دارد. معنای وجوب صعود علّی السطح این است که تمام ابواب عدم را مسدود کنید. آن ابواب عدمی که برای صعود علی السطح وجود دارد، مسدود کنید. از این وجوب ناقص، به مقدمه نیز وجوب ناقص ترشح می‌کند و دلیل این مطلب نیز قاعده تبعیت است و از طرفی، وقتی این وجوب ناقص ساقط می‌شود که همه مقدمات را با هم اتیان کند و از جمله آن مقدمات، ترتب ذی المقدمه است؛ پس مصداق واجب، مقدمه موصله است.

#### خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم آغا ضیاء

برهانی که مرحوم آغا ضیاء مطرح کردند، نمی‌توانیم تصدیق کنیم. چیزی که در مقام جعل از مولا صادر می‌شود یک فعل بسیطی است هر چند واجب مرکب باشد؛ یعنی طلب به یک امر واحد تعلق گرفته است. در ارتکاز ما مطلب از این قرار است که وقتی مولا یک چیزی را اراده می‌کند، یک امر دارد و به یک مطلوب، تعلق پیدا می‌کند، هر چند که آن مطلب مرکب از اجزاء باشد. این که واجب نفسی منحل به وجوبات کثیره به لحاظ سدود شود، خلاف ارتکاز است. مطلبی که در جواب مرحوم آغا ضیاء گفته می‌شود این است که ما یک وجوب بیشتر نداریم و برهان ایشان بر وجوبات کثیره، منسوجات خیال است.

#### وجوب مقدمه موصله به خاطر تقیید

مرحوم سید محمد باقر صدر، کلام مرحوم آغا ضیاء را از جهت قضیه حینیّه مردود دانسته است و ما گفتیم که از جهت قضیه حینیّه اشکالی بر مرحوم آغا ضیاء اشکالی مطرح نیست. بعد مرحوم سید محمد باقر صدر یک بیانی مطرح کرده است که بدون استفاده از بیان قضیه حینیّه، به وجوب مقدمه موصله منتهی می‌شود.

۱. نه‌ایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج ۱، ص ۳۴۰.

ایشان فرموده است: مقدمات یک صفتی به نام موصلیّت و علیّت دارند و وجوب به حیثیت موصلیّت تعلق نگرفته است؛ زیرا موصلیّت موقوف علیه نیست، موصلیّت و علیّت امور انتزاعی هستند که دخیل در وجوب مقدمه نیستند. به نظر مرحوم صدر وجوب، به مجموع مقدمات که از جمله آنها اراده مکلف است، تعلق گرفته است. نسبت به اسباب تولیدیه که اراده بین مقدمه و ذی المقدمه متخلل نیست، اشکالی وجود ندارد، نسبت به افعال غیر تولیدیه که اراده مکلف بین مقدمه و ذی المقدمه متخلل است، وجوب به مجموع مقدمات از جمله اراده مکلف، تعلق گرفته است و این مطلب با ضمیمه کردن غرض از ایجاب مقدمه، ملازمه با موصلیّت دارد؛ یعنی از طرفی غرض از مقدمه، توصل به ذی المقدمه است و از طرفی دیگر توصل به ذی المقدمه در مجموع مقدمات است نه در بعضی از آنها؛ پس واجب ما مجموع مقدمات به شکل قضیه حینیه نیست، بلکه به صورت تقيید است؛ یعنی این مقدمه مقیدا به مقدمه دیگر و هکذا، مجموعه ای را تشکیل می دهد که متعلق وجوب غیری است. از جمله این مجموعه اراده توصل به ذی المقدمه است.

ان قلت: اراده یک امر غیر مقدوری است و تکلیف به آن تعلق پیدا نمی کند.

قلت: اراده امر اختیاری است و می تواند متعلق وجوب قرار بگیرد.

نتیجه بیانات مرحوم سید محمد باقر صدر این است که اولاً قضیه حینیه در مفاهیم کلیه معقول نیست و ثانیاً تقيید به موصلیّت صحیح نیست؛ چون موصلیّت دخیل در مقدمیت نیست و ثالثاً غرض از ایجاب مقدمه، توصل به ذی المقدمه است؛ پس واجب ما مجموع مقدماتی است که از جمله آنها اراده مکلف است و این مطلب ملازمه با موصلیّت دارد و همین که در طریق ایجاد ذی المقدمه قرار می گیرند، موصلیّت دارند؛ یعنی مولا این مجموعه را دید و آن را اراده کرد. تذکر این نکته لازم است که مراد از ایجاب مجموع مقدمات، واقع مجموعه است نه این که عنوان مجموع مقدمات باشد؛ زیرا مجموع مقدمه ملاک ندارد؛ پس واقع مقدمات، مقیدا به انضمام، متعلق وجوب مقدمه است.

### خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم سید محمد باقر صدر

به نظر ما همان طور که ادعای مرحوم آغا ضیاء خلاف ارتکاز بود، ادعای مرحوم سید محمد باقر صدر نیز خلاف ارتکاز است.

**تعلق امر غیری به اراده مکلف**

نقطه اشتراک بین این دو ادعا (تقریب مرحوم آغا ضیاء و مرحوم صدر) این است که اراده مکلف جزء مقدمات است و وجوب غیری دارد؛ ولی مرحوم آغا ضیاء توسط قضیه حینیّه این مطلب را ادعا می‌کند در حالی که مرحوم صدر از باب تقیید این مطلب را تصویر کرده است. مرحوم آغا ضیاء می‌فرماید: مجموع مقدمات وجوب ناقص دارند و مرحوم صدر می‌فرماید: وجوب ضمنی دارند (هر چند که تصریح نکرده است اما مراد ایشان همین مطلب است)

مرحوم آخوند فرموده: اراده مقدمه، مراد مولا نیست؛ یعنی مولا اراده‌ی اراده ذی المقدمه از جانب مکلف را نکرده است و دلیل ایشان تحت اختیار نبودن اراده بود؛ اما ما قائلیم که اراده مقدور است و در عین حال، اراده مقدمه از جانب مولا در ناحیه مقدمات، خلاف ارتکاز است. ارتکاز مرحوم آخوند صحیح است؛ اما دلیلش صحیح نیست. وقتی که مولا امر به صعود علی السطح می‌کند، اگر بخواهد دوباره امر به اراده مکلف نسبت به صعود کند، خلاف ارتکاز است. این مقدار را قبول داریم که مولا بعد از این که امر به ذی المقدمه کرد اراده مقدمات را کرده است؛ اما این که دوباره اراده کردن ذی المقدمه توسط مکلف را اراده کرده باشد، خلاف ارتکاز است؛ لذا ادعای مرحوم آغا ضیاء و مرحوم صدر خلاف ارتکاز است. نمی‌شود مقدمه موصله را با این بیانات تمام کنیم.

**دو بیان مرحوم نائینی برای اثبات اهمال وجوب مقدمه**

مرحوم نائینی<sup>۱</sup> دو بیان برای اثبات اهمال وجوب مقدمه مطرح کرده است:

- ۱- بیان اول این است که تقیید وجوب مقدمه به ایصال، محال است؛ پس اطلاق آن نیز محال است؛ زیرا تقابل بین اطلاق و تقیید ملکه و عدم است.
  - ۲- بیان دوم این است که تقیید ذی المقدمه نسبت به موصله بودن مقدمه آن محال است؛ پس اطلاق آن نیز محال است و به حکم قاعده تبعیت مقدمه از ذی المقدمه باید وجوب مقدمه نیز مهمل باشد.
- خلاصه نظر مرحوم نائینی این است که وجوب مقدمه، یک وجوب مهملی است که با جعل اول و دوم نمی‌توان اهمال آن را از بین برد؛ لذا وقتی مولا اراده ذی المقدمه می‌کند، اجمالاً مقدمه را اراده کرده است؛ ولی حدود اراده مولا معین نیست.

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۲۴۰.

### خروج اهمال وجوب مقدمه به وسیله نتیجه الاطلاق و نتیجه التقييد

ما می‌توانیم هم به نتیجه اطلاق برسیم و هم به نتیجه تقييد برسیم. نسبت به نتیجه الاطلاق گفته می‌شود: مولا می‌تواند با بیان ثانی اطلاق را بگوید. هر چند که تقييد به موصله محال است و اطلاقش نیز محال است؛ ولی می‌توان گفت که جعل اول مهمل است و با جعل ثانی این اهمال را توسعه می‌دهد. در باب توصیلات نیز این گونه بود که مولا با امر اول نمی‌توانست قید تعبدیت را بیان کند؛ ولی می‌تواند با بیان ثانی اطلاق را درست کند. همین که بیان ثانی اطلاقش ممکن باشد، کافی است و لازم نیست که تقييدش نیز امکان داشته باشد.

نسبت به نتیجه التقييد نیز گفته می‌شود: مولا می‌تواند با همان بیان اول نتیجه تقييد را افاده کند. هر چند که تقييد محال است؛ ولی به نحو قضیه حینیه می‌توان اشکال را برطرف کرد. مرحوم خوبی نیز اشکال را با قضیه حینیه برطرف کرد. مرحوم نائینی قضیه حینیه را قبول دارد و ادعای مرحوم صاحب حاشیه را با قضیه حینیه تصحیح می‌کند پس چرا نتیجه تقييد را نمی‌پذیرد؟ به نظر ما، مرحوم نائینی که قضیه حینیه را قبول دارد، هر چند که تقييد به بیان ثانی ممکن نباشد، اما می‌تواند با بیان اول، تقييد را به نحو قضیه حینیه افاده کند و از این طریق می‌تواند اهمال را از بین ببرد. ایشان در معنای حرفی و واجب مشروط قضیه حینیه را قبول کرده است؛ پس وجهی برای کلام مرحوم نائینی نیست که ایشان بگوید نتیجه التقييد با بیان ثانی صحیح نیست. نتیجه: ما می‌توانیم ما به وسیله قضیه حینیه با جعل اول به نتیجه التقييد برسیم.

### خلاصه مباحث نزاع در وجوب مقدمه

دو قول عمده در باب مقدمه واجب وجود دارد. یک نظریه مشهور است که مطلق مقدمه واجب است و مرحوم آخوند اصرار بر این مدعا دارد و دیگری وجوب مقدمه موصله است که مرحوم صاحب فصول اصرار بر این ادعا دارند. مرحوم آخوند فرمود: غرض از مقدمه توقف است و توقف هم در همه مقدمات وجود دارد پس همه مقدمات واجب هستند و موید این مطلب، احساس امتثال مقدمه قبل از اتیان به ذی المقدمه است. به ضمیمه این مطلب که تعلق وجوب به مقدمه موصله محال است، نتیجه گرفته می‌شود که مطلق مقدمه واجب است.

یک نظریه این بود که غرض از مقدمه توصل به ذی المقدمه و در خصوص مقدمه موصله، غرض وجود دارد؛ پس مقدمه موصله وجوب دارد. یک نظر هم صاحب حاشیه داشت که فرمود غرض از ایجاب مقدمه، توصل است؛ ولی قید ایصال حیثیت تعلیلیه است و مطلق مقدمه واجب است.

موضوع عام: اقوال وجوب مقدمه واجب

مقرر: مهدی خیشه موضوع خاص: بررسی ادعای مرحوم آغا ضیاء و مرحوم صدر

بعد از این مرحله، در تقریب مقدمه موصله بیاناتی وجود داشت. یک بیان تقریب صاحب فصول بود که ظاهر کلام ایشان این بود که ایصال قید مقدمه است و بیان دیگر این بود که اراده و اختیار، قید مقدمه است؛ زیرا تقیید وجوب مقدمه به ایصال یک سری محاذیری داشت. مانند محذور دور و تسلسل (نائینی) و اجتماع مثلین (آخوند) و عدم دخالت قید ایصال در مقدمیت (مرحوم صدر) اما نحوه رسیدن به مقدمه موصله را مرحوم آغا ضیاء، قضیه حینیه دانست و یک بیان هم تقید به اراده بود که مرحوم صدر فرمود. مرحوم نائینی فرمود: هر چند که غرض، توصل به واجب است؛ اما نمی‌توانیم به مقدمه موصله برسیم. ایشان فرمود ایصال قید نیست و به موصله هم نمی‌توانیم برسیم؛ ولی مرحوم آغا ضیاء فرمود: می‌توان با قضیه حینیه به وجوب مقدمه موصله رسید و مرحوم صدر فرمود: با اخذ اراده به صورت قید می‌توانیم به وجوب مقدمه موصله برسیم. ما گفتیم نرسیدن به مقدمه موصله صحیح نیست و دلیل مرحوم آغا ضیاء و مرحوم صدر نیز صحیح نیست و خلاف ارتکاز است. ما سه منبه را ذکر کردیم:

- ۱- احساس امتثال قبل از اتیان به ذی المقدمه (مرحوم خوبی فرموده است: قبول داریم که امر به مقدمه ساقط می‌شود؛ اما سقوطش به خاطر عصیان و نحو عصیان است و ما ادعای ایشان را نفهمیدیم)
- ۲- در نظر آمر، اختیار مکلف وجود ندارد.
- ۳- اساساً گاهی اوقات مولا از اختیار مکلف غافل است و در عین حال امر به مقدمات دارد.